

بدحجابی و بی‌عفتی حربه دشمن برای فتنه‌انگیزی

# فتنه فرهنگی از استعمار کهن تا فرانو



محمد ملک‌زاده



اشاره:

از زمانی که سیطره غرب به مدد نوگرایی و تحول آن دیار پس از رنسانس و انقلاب صنعتی پدید آمد، تمدنی پایه‌ریزی شد که در ذات و بنیان‌ش میل به گسترش نهفته بود و آن را فراتر از حصار یک موقعیت جغرافیایی خاص هدایت می‌نمود. غرب برای تسهیل روند سیطره خود، یکسان‌سازی فرهنگی و تضعیف و تخریب فرهنگ ملت‌ها را به عنوان یک امر حیاتی و زیربنایی در اولویت قرار داد و تلاش نمود از این طریق زمینه تسلط سیاسی امنیتی خود را فراهم نماید. با تضعیف و تخریب فرهنگ ملت‌ها، فرهنگ وارداتی لابی‌گری، بی‌بندوباری و بی‌عفتی جوامع غربی بر جوامع شرقی - به ویژه اسلامی - تحمیل شد تا از این طریق قدرت مقاومت ملت‌های اسلامی سست گردیده، بقا و دوام جهانی‌سازی میسر و کشورها به بازار فروش محصولات غربی تبدیل گردند. این اندیشه و ترفند، افکار عمومی جهانیان را در راستای تأمین منافع غرب تسهیل می‌ساخت، موانع حاکمیت نظام تک‌قطبی به رهبری ایالات متحده آمریکا را از میان می‌برد و بستر اعمال حاکمیت نظام سلطه و سلطه‌پذیری کشورها و ملت‌های جهان را هموار می‌نمود. در این پژوهش ضمن بررسی سیر تحول تاریخی استعمار، نقش بیگانگان در فتنه فرهنگی جامعه اسلامی را در خلال این تحول تاریخی مورد توجه قرار خواهیم داد.



### فتنه فرهنگی غرب در ایران اسلامی

انقلاب اسلامی ایران؛ ضربه سنگینی بر استیلای فرهنگی سیاسی و اقتصادی جهان غرب وارد ساخت. تحلیل‌های اشتباه از ماهیت انقلاب اسلامی، قدرت‌های استکباری را در یک نتیجه‌گیری سطحی بر آن داشت تا با تجاوز نظامی به سرزمین اسلامی ایران، به مقابله با این نظام دینی برخیزند. آنان تصور می‌کردند می‌توانند با برتری نظامی و تسلیحاتی خود در قالب جنگی سخت و تمام عیار، سد مستحکم انقلاب اسلامی را که مانعی بر سر راه آنان بود، فرو ریزند. براساس این نتیجه‌گیری، از یکسو به حمایت مالی و تبلیغاتی از گروه‌ها و جریان‌های در داخل پرداختند که با اهدافی چون تجزیه‌طلبی و کسب قدرت سیاسی به مبارزه با نظام مشغول شده بودند و از سوی دیگر رژیم بعثی عراق را به جنگ‌افروزی علیه جمهوری اسلامی و تجاوز به خاک این کشور برانگیختند و با تمام توان به حمایت مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی از آن رژیم برخاستند.

جهان در جنگی هشت ساله، شاهد صف‌آرایی اقمار غرب و قدرت‌های استکباری با یک نظام نوپای دینی بود. جنگی که علاوه بر قدرت‌های استکباری غرب، بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و شرقی نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم در آن دخالت نمودند و با تجهیز و حمایت مادی و معنوی از کشور مهاجم، به نقش‌آفرینی در آن پرداختند، اما رهبری دایمانه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و روحیه مقاومت و شهادت‌طلبی مردم ایران، این پروژه نظامی استکبار را به شکست کشاند. دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران که تا پیش از این با استفاده از حربه نظامی و برتری تسلیحاتی در بسیاری از تجاوزات خود به ملت‌های مظلوم به نتیجه مطلوب خود دست یافته بودند، این بار در برابر ملتی مسلح‌شور، مقاوم و شهادت‌طلب که این روحیه ریشه در باورها و اعتقادات عمیق‌شان به مبانی مکتب تشیع داشت به زانو درآمده و شکست خوردند، اما این شکست هرگز آنان را ناامید نساخت، بلکه تصمیم گرفتند برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی، ابزار دیگری در پیش گیرند و این چنین شد که بدون استفاده از ابزار جنگی و ادوات نظامی، بلکه با بهره‌گیری از ابزار فرهنگی، فکری، هنری و رسانه‌ای؛ جنگ تمام

عیار دیگری را با نظام جمهوری اسلامی آغاز کردند.

جنگ فرهنگی با توجه به پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها در عرصه رسانه‌های ارتباطی همچون ظهور اینترنت و نسل جدید ماهواره‌ها، به مراتب خطرناک‌تر از جنگ نظامی است. بدیهی است که این جنگ فرهنگی نه فقط نظام جمهوری اسلامی ایران که تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌های غیر غربی را هدف گرفته است، اما ایران پس از انقلاب به جهت میزان قدرت چالش‌طلبی‌اش آماج حملات بیشتر قرار گرفته است. در ادامه ضمن بررسی سیر تحول تاریخ استعمار، نقش آنان را در این فتنه فرهنگی مورد تأکید قرار خواهیم داد.

### سیر تحول تاریخی استعمار

پیش از بررسی نقش استعمار در فتنه فرهنگی، لازم است مروری کوتاه به سیر دگرگونی تاریخی استعمار داشته باشیم. با بررسی تاریخی چگونگی شکل‌گیری کانون‌های قدرت در جهان، با سه دوره «استعمار کهن»، «استعمار نو» و «استعمار فرانو» از سوی قدرت‌های بزرگ علیه ملت‌ها و جوامع ضعیف مواجه می‌شویم:

#### دوره اول؛ استعمار کهن یا کلاسیک

دوره شکل‌گیری استعمار کلاسیک در قرون اخیر تاریخ بشر، به قرن ۱۶ میلادی یعنی دوره پیش از رنسانس و متحول شدن جهان غرب باز می‌گردد. استعمار کلاسیک تا جنگ جهانی اول، به مدت ۴۰۰ سال ادامه داشت. در این دوره سلطه قدرت‌های بزرگ علیه جوامع ضعیف از طریق تجاوز نظامی انجام می‌گرفت که با اشغال خاک ملت‌ها و استثمار مستقیم آنان همراه بود.

استعمار کهن یا کلاسیک، سه شاخصه عمده داشت:

۱. لشکرکشی و جنگ؛
  ۲. اعمال سلطه و غارت منابع کشورهای زیر سلطه توسط قدرت متجاوز؛
  ۳. استفاده از قدرت نظامی برتر به منظور تجاوز و ازدیاد حوزه نفوذ.
- اقدام نظامی گرچه معمولاً برای قدرت‌های برتر با موفقیت همراه



## جنگ فرهنگی با توجه به پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها در عصر رسانه‌های ارتباطی همچون ظهور اینترنت و نسل جدید ماهواره‌ها، به مراتب خطرناک‌تر از جنگ نظامی است.

بود، ولی نقاط ضعفی نیز به همراه داشت:

۱. حمله نظامی و به کارگیری ادوات تسلیحاتی نیازمند هزینه سنگین مالی بود.
۲. وجهه قدرت‌های سلطه‌گر را نزد ملت‌های ضعیف خراب می‌کرد.
۳. تداوم تجاوز و اشغال‌گری، زمینه‌ساز قیام ملت‌ها علیه اشغالگران و تحمیل هزینه‌های بیشتر بر آنان بود.

### دوره دوم: استعمار نئو کلاسیک یا استعمار نو

به دلیل نقاط ضعف و هزینه بالای استعمار کلاسیک از یکسو و افزایش بیداری و مقاومت ملت‌های ضعیف از سوی دیگر، قدرت‌های استعمارگر تصمیم گرفتند مدل جدیدی از استعمار را در دستور کار خود قرار دهند که نسبت به مدل قبلی از مزایای بیشتری برخوردار باشد. این مدل، همان «استعمار نو» است که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم رواج یافت و آرام آرام جایگزین استعمار کلاسیک گردید. بیشترین رشد استعمار نو پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم بود. به قدرت رسیدن حاکمان دست‌نشانده‌ای چون رضاخان و سپس فرزندش محمدرضا شاه پهلوی در ایران، آتانورک در ترکیه و ظاهرشاه در افغانستان؛ محصول استعمار نو بود. ابداع‌کننده اولیه استعمار نو در جهان، دولت انگلستان بود که با تضعیف و جایگزینی‌اش توسط ایالات متحده، این نقش به آمریکا واگذار شد.

در مدل جدید، استعمارگران برای اعمال سلطه خویش، از ابزارهایی چون وابستگی پنهانی حاکمان بومی از طریق سیاست‌گذاری مستقیم برای کشورهای زیر سلطه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی، برپایی حکومت‌های مستبد و دیکتاتور و تبدیل کشور زیر سلطه به حافظ منافع سلطه‌گر در منطقه بهره می‌بردند. از آثار و پیامدهای سیاست استعمار نو، به طور عمده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تخریب فرهنگ ملی و بومی، ایجاد فرهنگ التقاطی، وابستگی اقتصادی، ایجاد اقتصاد تک‌بُعدی در کشور زیر سلطه، بی‌هویتی فرهنگی، وابستگی شدید نظامی، امنیتی و ... در استعمار نو، کشور زیر سلطه، متحد کشور سلطه‌گر خوانده می‌شد و نیروهای مبارز و آزادیخواه در تبلیغات جهانی،

«تروویست» نامیده می‌شدند و به همین دلیل در معرض تهاجمات شدید تبلیغاتی و سیاسی قرار می‌گرفتند.

### نقاط ضعف استعمار نو

سیاست مبتنی بر استعمار نو اگرچه از تلفات زیاد نیروهای کشور سلطه‌گر در امان بود، اما باز نقاط ضعف زیادی داشت؛ از جمله:

۱. به دلیل آن که نیروهای مزدور و وابسته بومی فاقد پایگاه مردمی بودند، لذا معمولاً از طریق کودتا و یا سایر روش‌های غیر قانونی زمام امور را به دست می‌گرفتند. بدیهی است این امر هزینه‌های مالی و حیثیتی بسیاری را بر نظام سلطه تحمیل می‌کرد.

۲. فقدان پایگاه مردمی مزدوران بومی، آنان را مجبور می‌ساخت با دیکتاتوری و برقراری حکومت خفقان و استبداد حکومت کنند. این امر سلطه‌گران را با تضاد و تعارض روبرو می‌ساخت؛ زیرا این وضعیت با شعار طرفداری از حقوق بشر، دموکراسی و آزادی آنان منافات داشت.

۳. وابستگی حاکمان و استبداد و دیکتاتوری آنان، سبب بسیج توده‌های مردمی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی بر محور کسب استقلال و آزادی می‌گردید که نمونه آن در انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست.

### دوره سوم: استعمار فرانو

رشد و توسعه تکنولوژی و ارتباطات در آغاز قرن ۲۱ و هزاره سوم میلادی، فضایی جدید را بر جهان حاکم ساخت. در این فضا به دلیل کاهش کنترل حکومت‌ها بر ملت‌ها، قدرت‌های بیگانه امکان تأثیرگذاری مستقیم بر افکار عمومی ملت‌ها را یافتند و توانستند بدون اشغال نظامی و یا حتی حاکم ساختن حاکمان بومی دست‌نشانده، به طور مستقیم بر افکار ملت‌ها تأثیر گذارند و از این طریق زمام امور جوامع را به دست گیرند و آن‌ها را مطابق میل و منافع نامشروع خویش هدایت کنند.

در دوره جدید با اختراع و توسعه وسایل ارتباطی نوین همچون ماهواره، اینترنت و تکنولوژی‌های جدید مخابراتی و توسعه «ICT» و «IT» و گسترش شبکه‌های رادیو تلویزیونی، قدرت‌های غربی توانستند بدون هیچ مانعی به طور مستقیم با دورترین نقاط جهان ارتباط برقرار کنند، موانع سیاسی و تبلیغاتی حکومت‌ها را بشکنند و خارج از کنترل دولت‌ها بر افکار عمومی ملت‌ها تأثیر مستقیم گذارند.

مهم‌ترین شاخصه دوره استعمار فرانو، پروژه یکسان‌سازی فرهنگی در جهان است که با هدف تضعیف و تخریب فرهنگ ملت‌ها و حاکم‌سازی فرهنگ غربی و وارداتی به راه افتاد؛ زیرا یکسان‌سازی فرهنگی، سست شدن قدرت مقاومت ملت‌ها را در پی خواهد داشت. با یکسان‌سازی فرهنگی، کشورها به سرعت به بازار فروش محصولات غربی تبدیل می‌شوند، افکار عمومی جهانیان به راحتی مطابق میل قدرت‌های غربی جهت داده می‌شود. با یکسان‌سازی فرهنگی تسلط سیاسی، امنیتی تسهیل می‌گردد، موانع حاکمیت نظام تک‌قطبی از میان می‌رود و بقای سلطه‌گری و سلطه‌پذیری تضمین می‌شود.

براین اساس، سلطه‌گری نوین در استعمار فرانو، مبتنی بر ایجاد تغییر در جهان‌بینی، فرهنگ، باورها، بینش‌ها و رفتارها و با هدف تغییر نامحسوس هویت ملت‌ها پایه‌ریزی شده است. سست کردن پایه‌های وحدت ملی و تشدید اختلافات داخلی، بی‌تفاوت نمودن مردم و تهی ساختن فرهنگ سنتی و مذهبی آنان، از مهم‌ترین محورهای القایی استعمار فرانو است که استراتژیست‌های نظام سلطه و طراحان سیاست‌های استعماری را بر آن داشت با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های پیشرفته و فناوری‌های مدرن اطلاعاتی و ارتباطی، بر مبنای اعتقادی و رفتار مذهبی و ملی ملت‌ها تأثیر بگذارند و این چنین شد که فرهنگ وارداتی غرب که همان فرهنگ لابی‌گری و لاقیدی است، در قالب استعمار فرانو، کشورهای جهان به ویژه کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داد و به فتنه‌گری فرهنگی و رواج برهنگی و بی‌عفتی در این جوامع پرداخت. در ادامه با ریشه‌یابی رواج فرهنگ لابی‌گری در جوامع غربی و ترسیم وضعیت کنونی آن جوامع، مهم‌ترین راه مقابله با آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

به نام «آزادی زن» آنان را اجیر و اسیر دنیای سرمایه‌داری جدید ساختند. زنان اروپایی که تا آن زمان در کانون گرم خانوادگی و در پرده حجاب و عفت مشغول تربیت فرزندان و نسل آینده کشور بودند. در ابتدا به راحتی حاضر نبودند وارد محیط خشن بازار کار و فعالیت‌های سخت و نامناسب در کارخانجات شوند، اما وقتی در معرض تبلیغات گسترده دنیای سرمایه‌داری قرار گرفتند. به کار کردن تن دادند و سرمایه‌داران در پناه شعارهایی چون مظلومیت زن و بی‌عدالتی علیه آنان و یا تساوی زن و مرد، فریاد آزادی زن از حصار خانوادگی و پوشش سنتی سر دادند.

در مرحله بعد با افزایش تولید و کم شدن تقاضا که بر اثر اشباع بازار به وجود آمده بود، سرمایه‌داران به فکر افتادند بار دیگر از وجود زنان در راستای مصرف بیشتر و سوق دادن جامعه به سوی تجمل‌گرایی بهره‌گیرند، لذا با به اسارت درآوردن جسم و روح زنان، آنان را وادار ساختند تا جسم، زیبایی و دلربایی خویش را در راه ترویج کالاهای تولید شده و تشویق مصرف‌کنندگان به مصرف هر چه بیشتر به کار گیرند و به این ترتیب زن در عصر تجدد و مدرنیته به نام آزادی به بدترین شیوه در اسارت منافع سرمایه‌داران طمع و هوس‌باز قرار گرفت و تا آن‌جا پیش رفت که امروزه تبلیغات در پناه سکس و بی‌عفتی، به یکی از پردرآمدترین اشتغالات عصر تجدد تبدیل شده است. زن عصر جاهلیت مدرن، به مانکنی بی‌روح، فاقد اراده و اسیر تبدیل شد که تمام جسم و روح خویش را وسیله فروش اجناس و ازدیاد ثروت و منافع سرمایه‌داران می‌ساخت. علاوه بر این، حضور افسارگسیخته زن در اجتماع غربی، پیامدهای ویرانگری را نیز در آن جوامع به وجود آورد که از آن جمله می‌توان به تزلزل و فروپاشی خانواده، از خود بیگانگی، بحران هویت، مصرف‌زدگی، مُدپرستی، رواج فحشا و بی‌بندوباری و فساد اخلاقی، قتل و آدمکشی و ... اشاره کرد.

### ضرورت بصیرت و آگاهی برای مقابله با فتنه فرهنگی

به اعتقاد جامعه‌شناسان، رخداد هر پدیده اجتماعی، با عوامل و انگیزه‌هایی همراه است. معضل بدحجابی و بی‌عفتی در جوامع بشری نیز بدون علت رخ نمی‌دهد. برای مقابله با این معضل اجتماعی، ابتدا باید این عوامل و انگیزه‌ها را شناخت، سپس در صدد رفع آن برآمد. باید نسبت به ابعاد فرهنگی، اعتقادی، روانی

### رواج فرهنگ بی‌بندوباری و بی‌عفتی در جوامع غربی

رواج بی‌عفتی زنان در غرب، طی دو مرحله اساسی اتفاق افتاد: نخست با آغاز انقلاب صنعتی و اختراع ماشین بخار در سال ۱۷۱۲ م سرمایه‌داران و صاحبان کارخانجات برای تأمین نیروی انسانی ارزان مورد نیاز، به فکر جذب زنان به سوی بازار کار افتادند. صاحبان سرمایه برای این منظور با به راه انداختن تبلیغات گسترده

سست کردن پایه‌های وحدت ملی و تشدید اختلافات داخلی، بی‌تفاوت نمودن مردم و تهی ساختن فرهنگ سنتی و مذهبی آنان، از مهم‌ترین محورهای القایی استعمار فرانو است.



و پوشیده باشند و بر شهوات خود غلبه کنند. بنابراین نباید پنداشت که افسارگسیختگی زن‌ها طبق قوانین طبیعی است، بلکه افسارگسیختگی بر خلاف قوانین طبیعت و برعکس پوشیدگی و حیا و خودداری مطابق قوانین طبیعت است.»<sup>۴</sup>

#### تقویت ایمان و پایبندی به دستورات دینی

اسلام به گونه‌ای حضور زنان را در جامعه می‌پذیرد که هم نقش و حق زنان در جامعه مورد توجه قرار گیرد و هم پیامدهای زیان‌بار آن دامن جامعه را نگیرد.

خورشید عالم‌تاب اسلام در شبه‌جزیره عربستان زمانی طلوع کرد که زن در جامعه جاهلیت آن روز فاقد هرگونه ارزش ذاتی بود. اسلام کرامت انسانی برای زنان در کنار مردان را به ارمغان آورد، به آنان شخصیت مستقل بخشید و مسئولیت اجتماعی و فردی داد. از نگاه اسلام زن در سن نه سالگی یعنی شش سال زودتر از مردان شایسته خطاب تکلیف و به دوش گرفتن بار مسئولیت فردی و اجتماعی است. رسول خدا از زنان همچون مردان بیعت می‌گرفت و به آنان آن گونه ارزش می‌بخشید که حضور فعال ایشان در صحنه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی، از مسجد تا جبهه نبرد را در پی داشت و تنها یک نمونه بارز آن را می‌توان جریان سخنرانی آتشین دختر پیامبر - فاطمه زهرا (س) - در مسجد و در محضر عموم مردم و اعتراض ایشان علیه غصب خلافت و انحراف از مسیر اسلام عنوان کرد.

اگر اروپا در سال ۱۸۸۲ میلادی پس از انقلاب صنعتی و به اقتضای ضرورت شرایط حاکم آن روز، استقلال اقتصادی و مالکیت زن را به رسمیت شناخت، اسلام قرن‌ها پیش از آن استقلال اقتصادی زن را محترم شمرده بود؛ با این تفاوت که در اسلام هرگز این استقلال زن و ورود او به عرصه تجارت و بازرگانی، زمینه بی‌عفتی و رواج فساد اجتماعی نشد. در تاریخ اسلام بانوان فراوان و برجسته‌ای نظیر حضرت خدیجه - همسر مکرمه رسول خدا (ص) - وجود داشتند که با حفظ عفت و پاکدامنی و حجاب، به فعالیت‌های اقتصادی مشغول بودند، بدون آن‌که حضور ایشان در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمینه‌ای برای رواج بدحجابی و بی‌عفتی در جامعه به وجود آورد؛ زیرا اسلام به قدری به موضوع عفت و حیای زن و سلامت جامعه انسانی اهمیت می‌دهد که قرآن کریم در آیاتی خطاب به زنان از ایشان می‌خواهد حتی مراقب نحوه گفتار خویش نیز باشند و با صدای نازک و تحریک‌کننده، با مردان نامحرم سخن نگویند.<sup>۵</sup>

روایات متعدد نیز ضمن اشاره به وضعیت آخرالزمان، برخی از

اجتماعی این موضوع توجه کافی داشت، از توطئه شوم دشمنان و بیگانگان اطلاع کافی به دست آورد و با بصیرت دریافت که دشمنان ما هرگز در راه سعادت و صلاح ما برنامه‌ریزی نمی‌کنند و بالاخره باید از فواید آثار و پیامدهای مثبت حجاب یا نتایج سوء بدحجابی آگاه شد. امروزه حتی برخی خانواده‌های مذهبی نیز به دلیل عدم اطلاع یا اقتناع کافی نسبت به ضرورت حجاب و ناآگاهی نسبت به پیامدهای سوء بدحجابی، تحت تأثیر تبلیغات گسترده بیگانگان، گرفتار این معضل اجتماعی شده‌اند.

بسیاری به این نکته آگاهی ندارند که حفظ پوشش و حریم عفاف امری الهی است، به آدمی سنگینی و وقار می‌بخشد و خداوند آن را وسیله حفظ مقام و منزلت زن در جامعه و امنیت اجتماعی قرار داده است. پوشش مناسب باعث ایجاد آرامش در روابط اجتماعی است. در جوامع غربی به دلیل برداشتن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار، هیجانانگیز و التهاب‌های جنسی و پریشانی‌های روحی و روانی افزایش یافته و کانون گرم خانواده‌ها از هم پاشیده است. حجاب باعث استحکام پیوند خانوادگی و استواری اجتماع می‌گردد. در جامعه‌ای که در آن لذایذ جنسی از محیط خانه به اجتماع کشیده شود، نیروی کار و فعالیت اجتماعی آن جامعه تضعیف می‌گردد.

#### عفت و پوشش، مطابق فطرت انسانی است


توجه به این نکته که حجاب و حفظ عفت و پاکدامنی، امری فطری و معمول زندگی بشر بوده است، می‌تواند ما را برای مقابله با این معضل ضد بشری یاری رساند. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که سال‌ها پیش از ظهور اسلام، در مناطقی از خاورمیانه که مهد نزول ادیان ابراهیمی و مکاتب الهی است، حجاب امری معمول و متداول بوده است.

پوشش و لباس انسان که به اندازه طول تاریخ بشر قدمت دارد، همواره سه نیاز او را پاسخگو بوده است:

۱. حفظ نمودن انسان در برابر سرما و گرما؛
۲. حفظ عفت و حیا؛
۳. آراستگی و زیبایی و وقار.

این موضوع به قدری طبیعی و مطابق فطرت بشری است که بسیاری از اندیشمندان غیرمسلمان غرب نیز به آن اعتراف نموده‌اند؛ از جمله «مونتسکیو» در اثر معروفش «روح القوانين» پس از آن‌که حجاب و حیای زن را مطابق قوانین طبیعت توصیف می‌کند، می‌نویسد: «زن‌ها باید محجوب و حیایب‌شده باشند... قوانین طبیعت این طور حکم کرده و لازم دانسته که زن‌ها محجوب

**نباید پنداشت که افسارگسیختگی زن‌ها طبق قوانین طبیعی است، بلکه افسارگسیختگی بر خلاف قوانین طبیعت و برعکس پوشیدگی و حیا و خودداری مطابق قوانین طبیعت است.»**



معضلات اخلاقی ناشی از بدحجابی روزگار ما را شرح داده‌اند که توجه به این روایات می‌تواند برای جامعه ما بسیار آموزنده باشد. از جمله «اصبغ بن نباته» از یاران امیرالمؤمنین (ع) از آن حضرت این گونه نقل می‌کند: «در آخر الزمان و نزدیکی قیام قیامت که بدترین روزگاران است، زنانی پدیدار می‌شوند که بی‌حجاب و عریان‌اند، آرایش می‌کنند، از دین خارج می‌گردند، در فتنه داخل، به شهوت مایل و به سوی لذت‌ها شتابنده‌اند، حرام‌های الهی را حلال می‌شمارند و اینان همیشه در دوزخ معذب خواهند بود.»

ترسیمی این چنینی از وضعیت آخر الزمان - که از آن به بدترین روزگاران تعبیر شده است - و تطبیق آن بر وضعیت زمانه ما، هشدار جدی برای صاحبان خرد و اندیشه است تا قدری نسبت به عملکرد خویش بیاندیشند و در عواقب شوم این فتنه فرهنگی تأمل نمایند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. این اصطلاحات که مخفف فناوری و تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات است، در علوم مخابراتی و ارتباطاتی امروز کاربرد فراوان دارد.
۲. عفت و عفاف مقدمه حجاب و پوشش است؛ زیرا بدون آن، حجاب از روی میل و رغبت حاصل نمی‌شود. انسان با حیا و عفت، رفتار و کردارش در حیطه‌ای از تعاملات مثبت و صحیح و به دور از آلودگی و گناه شکل می‌گیرد. عفت نیروی کنترل‌کننده انسان در چگونگی ارتباط با جنس مخالف است و به ویژه از شخصیت و کرامت انسان پاسداری می‌کند. در لغت، عفت حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود. ر.ک: مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، تهران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۸.
۳. به نوشته ویل دورانت، در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی مشاهده نمی‌شود.
۴. مونتسکیو، روح القوانين، ترجمه و نگارش علی‌اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر، هشتم: ۱۳۶۲، ص ۴۴۲.
۵. احزاب، ۳۱.
۶. شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۴، ص ۱۹. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۳، ص ۳۹۰.